

## مواجهه حکیم مجتهد مراغی با ارامنه مراغه

حیدر عیوضی\*

### چکیده

رویکرد عالمان مسلمان در گفت‌وگو با مسیحیان را می‌توان به پنج دسته تقسیم نمود: ردیه‌نویسی، مناظره، رابطه‌ی تعلیم و تعلم، برخورد فقهی، دیالوگ و گفت‌وگو. محور مقاله حاضر، که بازنویسی رساله‌ی مختصر «جواب کافی و بیان شافی لمن سبقت له الحسنی»، اثر خامه عالم وارسته مجتهد مراغی به فارسی می‌باشد، به رویکرد پنجم، یعنی دیالوگ و گفت‌وگو اختصاصی دارد. مؤلف در مقدمه‌ی این اثر می‌گوید: این رساله را به درخواست ارامنه مراغه، در تبیین دین حق نوشته است، هرچند از هویت فرد یا گروه متقاضی و واکنش آنان به تحلیل ایشان، اطلاعی نداریم، اما این نوع اتفاق در تاریخ گفت‌وگوهای اسلام و مسیحیت نادر و منحصر بفرد است. گرانگه رساله‌ی مجتهد مراغی، انتقال از توحید به ضرورت وجود انسان کامل است. مؤلف، مذهب شیعه را به خاطر وجود حضرت ولی عصر علیه السلام، انسان کامل و عصاره خلقت، به عنوان مذهب حق معرفی می‌کند. مجتهد مراغی، رساله‌ای دیگر البته در باب مسیحیت با عنوان «مشکوٰۃ الحکمه و مصباح البیان» نگاشته و برخلاف رساله‌ی مفصل‌تر و به زبان عربی و با رویکرد نخست یعنی (ردیه‌نویسی نگاشته است). اما، وجه مشترک هر دو رساله، استناد به وجود مقدس «امام عصر علیه السلام» به عنوان انسان کامل و واسطه فیض الهی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: اسلام، مسیحیت، ارامنه، مراغه.

أَدِينُ بِدِينِ الْحُبِّ أُنِّي تَوَجَّهَتْ

رَكَائِبُهُ فَالْحُبُّ دِينِي وَ اِيْمَانِي

(ابن عربی، ترجمان الشوق)

گرایش به فهم مشترک، اولین گام در گفت‌گوی ادیان محسوب می‌شود. این فهم مشترک همان « کَلِمَةُ سَوَاءٍ » است که قرآن کریم همه حقیقت‌خواهان را به آن دعوت می‌کند (آل عمران: ۶۴). مفسران در ذیل آیه مبارکه، « کَلِمَةُ سَوَاءٍ » را کلمه‌ای دانسته‌اند که هیچ‌یک از طرف‌های گفت‌وگو در پذیرش آن احساس اکراه و اجبار نمی‌کنند، بلکه همه یکدل و یک زبانند؛ زیرا کلمه خود اوست، باور اوست و این کلمه باور به خداوند است.<sup>۱</sup> در نتیجه، معنای آیه مورد بحث چنین می‌شود: بیاید همه به این کلمه چنگ بزنیم و در نشر و عمل به لوازم آن، دست به دست هم دهیم. از این‌رو، این درخواست ارامنه مراغه و واکنش مجتهد مراغی در راستای این رهنمود قرآنی ستودنی است.

پایگاه اصلی مسیحیان ارمنی ایران، کشور ارمنستان کنونی است. مسیحیت در سده سوم میلادی در این کشور، پایگاهی یافت، و در اوایل سده چهارم، دین رسمی این سرزمین شد. کلیسای ارمنستان، تنها سه شورای کلیسایی عام نیکیه (۳۲۵م)، افسوس (۳۳۱م) و قسطنطنیه (۳۸۱م) را به رسمیت می‌شناسد. حضور آنان در ایران، به اوایل صفویه برمی‌گردد که در منابع مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. در چند قرن اخیر، ارامنه ایران مورد توجه جدی مبشران کاتولیک و پروتستان بوده است.

فعالیت‌های تبشیری در نواحی شمال غرب ایران، به‌ویژه در تبریز و ارومیه، به دهه سوم قرن نوزدهم برمی‌گردد. در سال ۱۸۳۲، آقایان سمیت<sup>۲</sup> و دوایت<sup>۳</sup> از سوی هیئت کمیسیونرهای آمریکایی برای میسیون‌های خارجی، مأمور شدند تا به خاور نزدیک آمده، پس از بررسی‌های کافی گزارشی از وضع این ناحیه برای شروع فعالیت‌های میسونری تهیه نمایند. این دو نفر، پس از مسافرت به سوریه، آسیای صغیر، و ارمنستان و ایران به ارومیه رسیده و ضمن بازدید از مناطق آشوریان منطقه، با اسقفان آنها ملاقات نمودند. مردم به گرمی از آنان استقبال نمودند. سمیت، در مورد واکنش آشوری‌های این منطقه می‌گوید: «مزرع‌ای که در اینجا موجود است، به نظر من آماده حصاد می‌باشد. اینجانب در تمام مسافرت خود، مردمی ندیده است که به اندازه آشوری‌های ایران حاضر به قبول انجیل مسیح باشند.» در همان موقع، به هیئت کمیسیونرهای آمریکایی گزارش رسید که شروع کار

فعالاً در بین مسلمانان این منطقه غیرممکن است. در پی این گزارش، تصمیم گرفته شد که مبشرانی برای ترویج مسیحیت به میان آشوری‌های شمال غرب ایران فرستاده شود. گروه اعزامی به این منطقه، «مسیون اعزامی نزد نستوری‌ها» نامیده شد.<sup>۴</sup> یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین مبشرانی که به این منطقه اعزام شد، ژوستین پرکینز<sup>۵</sup> بود که در سال ۱۸۳۳، به اتفاق همسرش و دکتر آساهر گران،<sup>۶</sup> برای خدمات طبی اعزام تبریز گردیدند. آنان پس از یک‌سال فراگیری زبان آشوری در تبریز، وارد ارومیه شدند. عمده فعالیت‌های آنها در زمینه خدمات آموزشی و پزشکی بوده است. از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. اختراع خط جدید برای آشوریان؛
۲. ترجمه کتب انگلیسی به زبان آشوری؛
۳. تأسیس نخستین آموزشگاه، در ۱۸ ژانویه ۱۸۳۶، با هفت دانش‌آموز؛
۴. تأسیس چاپخانه. در سال ۱۸۴۰ پرکینز دستگاه چاپی را از آمریکا وارد ایران نمود.
۵. انتشار روزنامه، پرکینز نخستین روزنامه آشوری‌زبان ایران را به نام «اشعه نور» در سال ۱۸۴۸ در ارومیه منتشر نمود.

پرکینز نخستین میسیونر آمریکایی در ایران بود که مدت ۳۶ سال در ارومیه اقامت داشت. کشیش اوراهام<sup>۷</sup> و یوحنا<sup>۸</sup> نیز در امر آموزش و تهیه مواد درسی به پرکینز کمک می‌کردند. اما زمانی که مدرسه گشایش یافت، با مشکلاتی روبه‌رو شد: از جمله یکی، جلب رضایت روحانیون منطقه و حکومت محلی بود. هیئت آمریکایی ابتدا به سراغ مجتهد ارومیه رفتند. از آنجا که مدرسه ویژه مسیحیان بود و مسلمانان حق نام‌نویسی نداشتند، مجتهد روی خوش نشان داد، حتی از مدرسه بازدید کرد و از پیشرفت شاگردان اظهار خرسندی نمود. کامران میرزا و ملک قاسم میرزا، هم از مدرسه بازدید کرده و قرار شد دوازده صاحبقران، کمک مالی به دانش‌آموزان بپردازند. در این آموزشگاه، از دانش‌آموزان شهریه گرفته نمی‌شد. حتی مخارج تحصیل و زندگی آنها را آموزشگاه می‌پرداخت. پرکینز در مدرسه‌اش، علاوه بر تدریس مواد علمی، به کودکان آهنگری و قالی‌بافی یاد می‌داد. علاوه بر مدارس که توسط مبشران آمریکایی در ارومیه تأسیس شد، در اطراف شهر نیز آموزشگاه‌های روستایی تأسیس نمودند. به‌عنوان نمونه، در سال ۱۸۳۹ آنها دوازده مدرسه

در دوازده روستا داشتند که در مجموع، ۲۷۲ دانش‌آموز پسر و ۲۲ دانش‌آموز دختر در این مدارس تحصیل می‌کردند. در سال ۱۸۴۲، تعداد این مدارس به بیست عدد و پانصد دانش‌آموز افزایش یافت. از میان ۴۸ معلم بومی، که آنها را اداره می‌کردند، ۲۲ نفر کشیش بودند.<sup>۹</sup>

پس از پرکینز و همراهانش، میسونرهای کاتولیک فرانسه معروف به لازاریست‌ها در سال ۱۸۳۹م. و در پی آن هیئت‌هایی از کلیسای انگلستان، لوتری‌های آلمان و بالأخره، هیئت اعزامی کلیسای ارتدوکس روس، در اواخر همان قرن برای فعالیت‌های تبشیری وارد ایران شدند. گرچه تا پیش از جنگ اول جهانی، این هیئت‌های تبشیر در عین برخورداری از نوعی وحدت عمل و همدلی مشترک در مخالفت با فرمانروایی دولت‌های اسلامی بر این مناطق، رقابت و هم‌چشمی با یکدیگر داشتند و نگران پیشرفت رقبای خود بودند، ولی با شروع جنگ، که روس، انگلیس و فرانسه را در مقام قدرت‌های متفق بر ضد آلمان و اتریش و عثمانی وارد نبرد ساخت، هیئت‌های مزبور سرانجام، به عنوان یکی از ابزارهای اصلی پیشبرد سیاست‌های سیاسی نظامی متفقین، خط‌مشی واحدی را پیش گرفتند.<sup>۱۰</sup>

در مجموع، می‌توان اهداف این هیئت‌های تبشیری را این‌گونه برشمرد:

۱. وعظ و تبلیغ در میان پیروان کلیساهای کهن شرق (نستوری‌ها و آرامنه)، با هدف هدایت آنها به مسیحیت کاتولیک/ پروتستان.
۲. تبلیغ و فعالیت در میان پاره‌ای از دیگر اقلیت‌های مستعد، چون کردهای ارومیه و کردستان.
۳. ایجاد مدارس رایگان و شبانه‌روزی و اهدای لوازم کمک آموزشی در مدارس.

### مجتهد مراغی

حکیم مولی حسن بن عبدالرحیم مراغی، متکلم، عارف و فقیه، در سده سیزدهم هجری (۱۳۰۰ ق) می‌باشد و از مفاخر آذربایجان به شمار می‌رود. ایشان در خانواده‌ای اهل علم دیده به جهان گشود. والدش عبدالرحیم مراغی، شیخ الاسلام مراغه بود. مرحوم آغابزرگ در طبقات می‌نویسد: «الشیخ عبدالرحیم شیخ الاسلام من اعظام العلماء فی عصره، کان شیخ الاسلام فی مراغه و کانت له فیها مکانة سامیة و مرجعیه کبیرة توفی حدود سنة ۱۲۶۰ق.»<sup>۱۱</sup>

از تألیفات این فقیه فرزانه، سه مورد را اطلاع داریم: رساله جهادیه (عربی)، رساله الجهادیه المسماة بالمحمدیه، حاشیه بر حاشیه ملاعبدالله یزدی.<sup>۱۲</sup>

حسن بن عبدالرحیم، تحصیلات مقدماتی را نزد پدر و سایر علمای مراغه فراگرفت. و برای تکمیل تحصیلات خویش عازم تهران و پس نجف اشرف گردید. پس از طی دوره‌های فقه، اصول و حکمت به زادگاهش برگشت و به تألیف و تدریس پرداخت. متأسفانه منابع موجود اطلاعی در رابطه با اساتید و نحوه تحصیل وی ارائه نداده‌اند. آقای طیار مراغه‌ای در این رابطه می‌نویسد:

از یکی از علمای مراغه، که خاطرات زیادی از دانشمندان شهر در سینه داشت، شنیدم که وی معاصر و دوست آیت‌الله مجدد سیده محمد حسن شیرازی، رهبر نهضت تنباکو بود. چنان‌که مرحوم مجدد شیرازی، در دیداری که با وی داشت، ضمن اظهار تأسف از دوری حکیم مراغه‌ای از حوزه نجف فرموده بود: آقا میرزا حسن تحت الشعاع دیگران قرار گرفت و حقش ضایع گردید.<sup>۱۳</sup>

مجتهد مراغی از معاصران شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی بود و در رد آراء و نظرات آنان، سه رساله نگاشت.<sup>۱۴</sup>

مجتهد مراغی آثار گران‌بها و صدقات جاریه پربهایی از خود بر جای گذارد:

۱. احیاء مسجد شیخ بابا؛ مطابق وصیتش در شبستان همین مسجد مدفون گردید.
۲. بناء مدرسه علمیه آقا حسن، در حال حاضر اثری از آن باقی نمانده و برجای آن مرکز فرهنگی برپا شده است.
۳. دو فرزند اهل علم، میرزا علی آقا صاحب کرامات باهرات، و میرزا احمد آقا (ت ۱۲۸۴ ق) این تعدادی از رسایل پدر (از جمله همین رساله حاضر) را در سال ۱۳۱۹ ق، در ضمن مجموعه‌ای با عنوان کشف سریره الاسلام منتشر نمود.
۴. تألیفات علمی: آثار به جای مانده از ایشان را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: بخش نسخه‌های خطی، و بخش دیگر، که به صورت چاپ سنگی مطبوع شده است.

#### الف) نسخه‌های خطی

۱. الامر و المشیئة؛ ۲. تحقیق حقیقه؛ ۳. تحقیق در نوع انسان؛ ۴. تفسیر سورة الفاتحة؛
۵. التوحید؛ ۶. جزاء الاعمال؛ ۷. حب علی اصل الجنة؛ ۸. حشر و نشر (سؤال و جواب)؛
۹. حقیقه التکلیف؛ ۱۰. حقیقه الروح؛ ۱۱. خلاصه الحقائق و زیادة الدقائق؛ ۱۲. الرد علی الشیخیه (تصحیح شده طیار مراغه‌ای)؛ ۱۳. رسائل؛ ۱۴. رفع القلم فی بعض الاعیاد؛
۱۵. سبب تسمیة الائمة به ام الكتاب؛ ۱۶. سر الخلقه و کشف ستر الخلیقة؛ ۱۷. سر الخلقه

(مختصر)؛ ۱۸. سرالقدر؛ ۱۹. شرح حدیث حقیقت؛ ۲۰. شرح حقیقة العقول؛ ۲۱. شرح رفع القلم فی بعض الاعیاد؛ ۲۲. عرش القواعی و الاصول؛ ۲۳. العقل؛ ۲۴. علم الله تعالى؛ ۲۵. فائدة جديدة = الجبر و التفویض؛ ۲۶. فلسفة الاختلاف؛ ۲۷. الفوائد الشریفة و القواعد المنیفة؛ ۲۸. فوائد فلسفیة؛ ۲۹. قضا و قدر؛ ۳۰. ماهیة الاجسام و الاجساد؛ ۳۱. مدارک الغرایب فی مسالک العواقب و مشاهد العجایب فی مناهج المناقب فی احوال الموت و ما بعده من عالم البرزخ و المعاد و المحشر ما بلغ من المعصومین علیهم السلام؛ ۳۲. مراتب صلاة؛ ۳۳. مراتب النفس و الروح و درجات القلب و العقل؛ ۳۴. مسالک الطریقة و مدارک الحقیقة؛ ۳۵. مشکاة الحکمة و مصباح العرفان = مشکوة الحکمة و مصباح البیان فی معرفة الحجة الناطق فی کل زمان؛ ۳۶. المعراج؛ ۳۷. منهاج البصیرة و الیقین و مصباح المعرفة فی الدین؛ ۳۸. میزان العقول و الالباب؛ ۳۹. نقطة المعارف و العلوم و حقیقة المشاعر و الفهوم.<sup>۱۵</sup>

#### ب) مجموعه مطبوع چاپ سنگی

۱) كشف سریره الاسلام بنور بصیره الايمان؛ ۲) بیان نقطة التوحید و بیان خطة التفرد؛ ۳) میزان المعارف و العلوم و مقیاس المدارک و الفهوم؛ ۴) مطالع المعارف و منهاج المکاشف؛ ۵) مدارک الحق و التحقیق و مسالک الصدق و التصدیق؛ ۶) رساله الذهبیه؛ ۷) نقطة المعارف و العلوم و حقیقة المشاعر و الفهوم؛ ۸) مسلک اهل الولا و العناية فی الطریقة و مشرب ذوی الحسنی و الهدایة فی المعرفة؛ ۹) محاسن الاحوال و میامن الخصال؛ ۱۰) سرالخلیقة و سریره الحقیقة؛ ۱۱) سریره الحقیقة و حقیقة السریره؛ ۱۲) كشف سر لم یطلع علیه الا من خصه الله به؛ ۱۳) معرفة الامام (ع) كما يستحق ان يتعقده الانام؛ ۱۴) كشف التوحید بالعیان لاهل البصیره و العرفان؛ ۱۵) بیان اختصاص الاختیار لله الغنی القدیوم و الاضطرار للحادث الفقیر العدیوم؛ ۱۶) نکات لاهل العلم و هدايا لاهل الفهم؛ ۱۷) الکافی من البیان فی الغیب و العیان؛ ۱۸) ازاحة وهم و انارة فهم؛ ۱۹) اشارة غیبیه و درایة بلاکیفیة؛ ۲۰) جواب کافی و بیان شافی لمن سبقت له الحسنی.

مجتهد مراغی در ذیل رساله حاضر می نویسد:

... هرگاه گویند امام شما نیز غایب است، گویم به خواص خودش ظاهر است و به ایشان

القا می کند آنچه مایحتاج خلق است. چنانچه این بیانات را به مخلص القا فرمودند، جواب از برای شما نوشتم، روحی و نفسی فداه.<sup>۱۶</sup>

مجتهد مراغی رساله‌ای دیگر در نقد یک نویسنده مسیحی به عربی نگاشته، با عنوان *مشکوة الحکمه و مصباح البیان* به صورت نسخه خطی در ضمن مجموعه‌ای قرار دارد.<sup>۱۷</sup> این رساله، در ۲۴ برگ و به خط نسخ می‌باشد. ایشان پس از خطبه کتاب می‌گوید:

اما بعد، فقد وصل الينا من بعض القسيسين و الأخبار، المؤسسين بنيانهم على شفا جرف هار، كتاب يرجع حاصله عند النظر و الاعتبار إلى ان الطريق في هذه الأعصار، منحصر على الكتب الألهيه الباقیه فی ایدی النصاری و اليهود، المشتمله على القصص و الأخبار، و قليل من الأحكام و الحدود، و استدّل على ذلك بأن العقل لا يعرف طريق الطاعة و النجاه، إذ لم يعرف من العقول إلا الجزئيات الناقصات، فزعم أن حجة الله التي احتج بها على الناس الكتب الباقیه من الأنبياء السالفه؛ و لم يعقل أن الكتب صامته، و الصامت لا يليق بالحجیه، لما يقبل التأويل، فيؤوله كل على مقتضى هواه....

رساله *مشکوة الحکمه* در یک پیش‌گفتار، چهار رکن (فصل) و یک خاتمه می‌باشد. مجتهد مراغی در پیش‌گفتار به علت نگارش رساله که در پاسخ به یک رديۀ مسیحی بوده، می‌پردازد، اما به مشخصات نویسنده و یا کتاب او هیچ اشاره‌ای نمی‌کند. اگر بخواهیم مخاطب اصلی مؤلف را بیابیم باید ردپای او را در میان مبشرانی جست که در این دوره فعالیت داشته‌اند (در ادامه به این مسئله می‌پردازیم).

مؤلف در ادامه پیش‌گفتار به دو اشکال اصلی طرف مسیحی اشاره می‌کند و موضوعات ارکان رساله خود را نیز طوری انتخاب می‌کند که به طور منطقی بتواند پاسخ او را داده باشد. مبشر مسیحی گفته است: (۱) عقل انسان تنها قادر به درک جزئیات است و به تنهایی از شناخت حقیقت عاجز است، بنابراین خداوند تنها راه شناخت خود را در کتب آسمانی انبیاء پیشین قرار داده است. مجتهد مراغی اجمالاً در اینجا می‌گوید: نویسنده توجه نداشته که کتاب‌ها صامت هستند و صامت به تنهایی نمی‌تواند حجت باشد، چراکه تأویل‌بردار است و هر کس می‌تواند در راستای اهداف خود آن را تفسیر و تأویل کند «لم يعقل ان الكتب صامته و الصامت لا يليق بالحجیه لما يقبل التأويل فيؤوله كل على مقتضى حاله» (برگ دوم). (۲) نویسنده مسیحی مدعی بوده که پیامبر اسلام بلیغ‌ترین و فصیح‌ترین فرد زمان خود بوده و برای تحقق اهداف سیاسی‌اش قرآن را آورده است. مؤلف ما در پاسخ به این اشکال نیز می‌گوید: نقطه انحراف اینان در این است که مقام و منزلت حجت الهی را که

قیم بر کتب آسمانی اند را درک نکرده‌اند «فَیَنْبَغِی أَنْ نُبَیِّنَ لَهُمْ أَوْلَآءَ وَجُوبَ الْحِجَّةِ النَّاطِقِ فِی کُلِّ زَمَانٍ وَأَنَّ الصَّامِتَ لَا یُکُونُ حِجَّةً عَلَی وَحْدَتِهِ وَلَا هُوَ بِذَلِكَ یَحِیقُ وَلَا یَقُومُ مَقَامَ النَّاطِقِ وَلَا هُوَ بِذَلِكَ یَلِیقُ، ثُمَّ أَنَّهُ یَجِبُ أَنْ یُکُونَ مَعْصُومًا عَنِ الْخَطَا وَالزَّلَلِ، عَالِمًا بِجَمِیعِ مَا یَحْتَاجُ إِلَیْهِ الْأَنْامُ فِی الْعِلْمِ وَالْعَمَلِ. ثُمَّ أَنَّهُ یَجِبُ أَنْ یُکُونَ ظَاهِرًا وَمَعْرُوفًا بَیْنَ الْأَنْامِ بِنَفْسِهِ أَوْ بِنَوَابِهِ، ثُمَّ نُبَیِّنُ لَهُمْ طَرِیقَ مَعْرِفَتِهِ وَمَعْرِفَةَ نَوَابِهِ» (برگ سوم).

فهرست مطالب رساله از این قرار است:

مقدمه: فی الاشارة الی ارکان المعرفة، ۳-۴؛

رکن اول: وجوب حجة الناطق فی کل زمان، ۴-۶؛

رکن دوم: وجوب عصمته فی کل اوان، ۶-۸؛

رکن سوم: اشتهاه فیما بین الأنس و الجن، ۸-۱۰؛

رکن چهارم: طریق معرفة الحجة و نوابه، ۱۱-۱۷

خاتمه: فی وجوب الرجوع الی القیم و التسلیم له علماً و عملاً، ۱۸-۲۲.

از ویژگی‌های مهم رساله حاضر این است اجزای فصول آن کاملاً به هم متصل هستند و هر رکنی مبتنی بر رکن پیشین خود می‌باشد. از دیگر ویژگی این رساله استفاده از تشبیهات و تمثیلات متناسب با موضوع است، برای نمونه در رکن اول در اثبات ضرورت حجت الهی که انبیاء و جانشینان آنها هستند، جامعه را به بدن انسان تشبیه می‌کند و می‌گوید: همان‌طور که آفریننده این بدن مادی برای اعضا و جوارح ما یک رئیس قرار داده که همان روح باشد، انبیاء و جانشینان آنها را هم راهنمایان جامعه قرار داده است، و به عبارتی دیگر پیامبران روح جامعه بشری هستند.

متأسفانه مؤلف تا پایان رساله هیچ اشاره‌ای به مشخصات نویسنده مسیحی و نام اثر او نمی‌کند. تنها با تعبیر «مِنْ بَعْضِ الْقَسِیْسِیْنَ وَ الْأَحْبَارِ» از آن یاد می‌کند. اما با توجه به قرائنی که وجود دارد، به نظر می‌رسد این رساله، از جمله ردیه‌هایی باشد که در واکنش به کتاب *ینابیع الاسلام*<sup>۱۸</sup> اثر کشیش دکتر کلرتیزدال<sup>۱۹</sup> تألیف شده است. زیرا *ینابیع الاسلام*، جنجالی‌ترین کتابی است که در این دوره (اواخر قرن نوزده) در رد اسلام نوشته شد.<sup>۲۰</sup> و واکنش‌های متعددی از سوی عالمان مسلمان، از هند تا نجف را در پی داشت. مرحوم



آقازیرگ در *الذریعه*<sup>۲۱</sup> و فرزند ایشان احمد منزوی در *فهرست واره*<sup>۲۲</sup> نمونه‌های دیگری از ردیه‌های این کتاب را احصاء کرده‌اند.

اما متن رساله *جواب کافی و بیان شافی لمن سبقت له الحسنی*:

«بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله الذي ليسَ كمثلِه شيءٌ و هو اللطيف الخبير و الصلوة على من هو من الله بشيرٌ و نذيرٌ و السلام على الوصي و الوزير و آله الذين كل واحد منهم في العلم و الفضل له نظيرٌ و شيعتهم الذين هم كالفلوا كل يتيم و اسير. بعد يقول سالک مسلک التسلیم و شارب مشرب التسنيم حسن بن عبدالرحيم قد سئلني بعض الأمانة أن أبين لهم المذهب الحق فيما بين المذاهب و الأديان بالدليل العقلي بحيث ينكشف لأهل البصرة (البصيرة) بالعيان.

پس نوشته شد، شکی نیست در اینکه اجسام خالی از چهار عرض نمی‌باشد؛ یعنی حرکت، سکون، اجتماع و افتراق. بدیهی است که این اعراض، همگی حادث است. آنچه مقدم بر حوادث و پیش از اینها نتواند شد، آن هم حادث می‌شود. آنچه مجرد است، مثل عقول و ارواح و نفوس، هرگاه متعدد باشند، تعدد نمی‌شود، مگر به حدود و کل محدود مرکب است. پس، خالی از دو عرض اجتماع و افتراق نمی‌باشد، آنچه پیش از عرض بودنش محال باشد، آن هم حادث می‌باشد. مثل عرض و اگر مجرد منحصر به یکی باشد، خالی نیست از اینکه در یک صفت یا زیاده از یک صفت با حوادث شریک باشد، یا نباشد، بلکه منزله از جمیع صفات حوادث باشد. هرگاه شریک باشد، شکی نیست در اینکه مابه‌الاشتراک، غیر مابه‌الامتياز است. پس، لامحاله مرکب می‌باشد، پس لامحاله حادث می‌شود.

و اگر منزله از جمیع صفات حوادث و مقدس از جمیع سمات مدرکات باشد، آن قدیم است. و لابد است از اینکه حجتی اقامه نماید در میان خلق، که عالم به جمیع مصالح و مفاسد باشد و جامع جمیع محاسن و عاری از جمیع مکاره باشد و الانقص در ربوبیت غنی مطلق می‌شود. پس، لابد است از اینکه عالم از وجود این چنین شخصی خالی نباشد تا عقول ناقصه به تبعیت آن به مرتبه کمال برسند و جمیع موجودات اجسام، به طبایع خودشان ارواح به عقول خودشان حاکمند بر اینکه هر جزء به کل خود و هر جزیی به کلی خود باید تابع شود. شکی نیست در اینکه انسان کامل مذهب خود را القا می‌کند. به تابعین خودش. پس هر ملتی که مستند به انسان کامل نیستند، مذهب ایشان باطل است.

پس مذهب حق منحصر شد به مذهب اثناعشری، که ایشان در سلوک به انسان کامل، که جامع جمیع محاسن و عاری از جمیع نقایص باشد، مستندند. اگر مذهب ایشان حق نباشد، لازم آید که عالم خالی از وجود انسان کامل باشد و آن منافی کمال ربوبیت و منافی توحید خداوند و منافی تنزیه ذات مقدّس و منافی وجود قدیم قادر می‌باشد: اما منافی ربوبیت است، به جهت آنکه نقص در افعال یا از عجز می‌شود یا از جهل، قدیم از هر دو منزّه است. اما منافی توحید است، به جهت آنکه فساد از تعدّد و ممانعت شریک می‌شود مقتضای وحدت کمال است. اما منافی تنزیه است، به جهت آنکه سبب وجوب وجود انسان کامل تنزیه مالک و تقدّس اوست. اما منافی وجود قدیم است، به جهت آنکه نقص راجع به عدم است و مقتضای وجود کمال و جمال و جلال است. هرگاه آرامنه گویند: حضرت عیسی انسان کامل است، صحیح است، اما باید در میان خلق باشد نه در آسمان چهارم. هرگاه گویند: امام شما نیز غایب است، گوییم به خواصّ خودش ظاهر است و به ایشان القا می‌کند آنچه مایحتاج خلق است، چنانچه این بیانات را به مخلص القا فرمودند: «جواب از برای شما نوشتم، روحی و نفسی فداه.»

### تحلیل و نتیجه

بحث «انسان کامل»، از جمله موضوعات کهن و جدی به شمار می‌رود که در همه ادیان آسمانی، به ویژه در ادیان ابراهیمی مطرح بوده است. در این میان، اندیشمندان مسلمان عنایت بیشتری به این مسئله داشته‌اند. می‌توان گفت: نقطه اوج آن، در عرفان اسلامی، به ویژه آثار ابن عربی و شارحان او بوده است، اساساً، موضوعاتی چون اعتقاد به نبوت، عصمت انبیاء، لزوم اطاعت از آنها، اسوه بودن پیامبر و ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام، در متون اسلامی مبتنی بر این فرض، یعنی انسان کامل بوده است. در عرفان اسلامی، انسان کامل دارای مقام ولایت می‌باشد. شناخت مقام و منزلت آن همواره دغدغه اصلی عارفان بوده است. سیدحیدر آملی در تبیین جایگاه ولی و انسان کامل می‌نویسد:

و فی الحقیقة، الولاية هی باطن النبوة الّتی ظاهرها التصرف فی الخلق بإجراء الأحكام الشرعیة علیهم، و یأظهار الأنبیاء و الإرشاد لهم بأخبار الحقایق الإلهیة و المعارف الربانیة کشفاً و شهوداً؛<sup>۳۳</sup> در حقیقت، ولایت باطن نبوت است، به گونه‌ای که ظاهر آن تصرف در امور خلق خدا، به سبب اجرای احکام شرعی بر خلق و بازگویی خبرها و ارشاد آنان، به سبب اخبار حقایق الاهی و معارف ربانی.

در حالی که اندیشمندان مسلمان بر ضرورت بشری بودن انسان کامل تأکید دارند و براهین متعددی بر ضرورت وجود آن در طول حیات بشری و نیاز مردمان به او ارائه می‌کنند، اندیشمندان مسیحی با طرح الوهیت عیسی مسیح و روح القدس، تلاش نمودند جنبه کاملاً درون‌دینی و حتی عقل‌ستیز به آن ببخشند. از این‌رو، مجتهد مراغی همسو با اندیشمندان مسلمان، در رساله حاضر، ابتدا واسطه فیض میان مبدأ صدور و مردمان را انسان کامل معرفی می‌کند. سپس، آن را بر امام عصر تطبیق می‌دهد.

مشخصات چاپ سنگی رساله *جواب کافی و بیان شافی لمن سبقت له الحسنی*، کاتب: *عبدالمطلب بن رزاق تبریزی*، تبریز، چاپخانه حاج احمد کتاب‌فروش، صفر / ۱۳۱۹ق، حاج احمد آقا، زبان فارسی، خشتی، نسخ، ۳ صفحه، آستان حضرت معصومه علیها السلام، آستان قدس رضوی، آیت الله مرعشی، دفتر تبلیغات اسلامی، مسجد اعظم.

پی‌نوشت‌ها

۱. محمود زمخشری، کشف، ج ۱، ص ۳۷۱؛ محمدبن عمر فخر رازی، *مفاتیح الغیب*، ج ۸، ص ۲۵؛ سیدمحمدحسین طباطبائی، *المیزان*، ج ۳، ص ۲۴۶.
2. Smith.
3. Dwight.
۴. جان الدر، *تاریخ میسیون آمریکایی در ایران*، ترجمه سهیل آذری، ص ۴.
5. Justin Perkins.
6. Asahel Grant.
7. Auraham.
8. Yuhannan.
۹. عمادالدین فیاضی و هادی جوادی، «تاریخچه‌ای از فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی مبشران آمریکایی در ایران دوره قاجار»، *پیام بهارستان*، ش ۱۱، ص ۵۶۲-۵۶۳؛ رک. جان الدر، همان، ص ۴-۱۶.
۱۰. رحمت‌الله معتمدی، *ارومیه در محاربه عالم سوز*، ص پانزده.
- به عنوان نمونه آقای رحمت‌الله معتمدی در کتاب *ارومیه در محاربه عالم سوز* از مقدمه نصارا تا بلوای اسماعیل آقا به حوادث سال‌های ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۰ شمسی می‌پردازد. وی با استفاده از منابع مناسب تحلیل عالمانه‌ای از عوامل آشوب‌های نظامی در ارومیه ارائه می‌دهد. و نیز میرزا ابوالقاسم امین‌الشرع خوبی، رساله *تاریخ تهاجمات و جنایات ارامنه، اسماعیل سمیتقو و سردار ماکو در آذربایجان*، به کوشش علی صدراپی خوبی، میراث اسلامی ایران، به کوشش رسول جعفریان، ج ۱۰، ص ۱۱-۸۰، کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۳۷۸ ش.
۱۱. محمدمحسن آقابزرگ تهرانی، *الذریعه*، ج ۱۱، ص ۷۲۵.
۱۲. محمود طیار مراغی، *میراث اسلامی ایران*، ج ۶، ص ۶۵۴.
۱۳. همان.
۱۴. این رساله‌ها توسط آقای طیار مراغی تصحیح و در میراث اسلامی ایران ج ۶ منتشر شده است.
۱۵. درایتی، مصطفی، *دنا*، ج ۱۱، ص ۱۱۷۴-۱۱۷۵.
۱۶. عبدالرحیم مراغی، *فائده من الفوائد*، ص ۸۶.
۱۷. عبدالرحیم مراغی، *مشکوٰۃ الحکمه و مصباح‌البیان*. این نسخه در کتابخانه عمومی ش: ۱۹ / ۵؛ تهران - ملی ش: ۷۸۰ / ۸، ص ۱۰۱-۱۱۲؛ تهران - مجلس ش: ۴۷۶ / ۳؛ تهران - دانشگاه ش: ۴۲۵۰ / ۳؛ قم - گلپایگانی ش ۲ / ۲-۶۷۰۰ - ۳۴ / ۷۰؛ قم - مرعشی ش: ۲۰۲۷ / ۸ موجود است.
18. The Sources of Islam.
19. Rew.w.st.Clair Tisdall.
۲۰. کشیش تیزدال کتاب *ینایع الاسلام* را به انگلیسی نوشت و ترجمه فارسی آن را ابتدا در ۱۸۹۹م. در لاهور هند منتشر کرد. این کتاب به زبان‌های متعددی ترجمه گردیده و ده‌ها مرتبه تجدید چاپ شده است. آخرین چاپ آن در سال ۱۹۷۳ بوده است. نویسنده ادعا می‌کند که اسلام دین مستقلی و اصیلی نیست بلکه تلفیقی از ادیان گذشته بویژه یهودیت، مسیحیت و زردشتی می‌باشد و بر همین اساس نام کتاب را *ینایع الاسلام* نام نهاده است.
۲۱. محمدمحسن آقابزرگ تهرانی، *الذریعه*، ج ۱، ص ۵۲۸، ش ۲۵۷۹؛ ج ۱۰، ص ۲۳۱-۲۳۵؛ ج ۱۷، ص ۱۹۷، ش ۱۰۴۹، ۱۹۸، ۱۰۵۵؛ ج ۲۵، ص ۱۷۴ ش ۱۰۷.
۲۲. احمد منزوی، *فهرست‌واره*، ج ۹، ص ۶۰۴-۶۰۵.
۲۳. سیدحیدر آملی، *المقدمات من کتاب نصّ النصوص فی شرح فصوص الحکم*، ص ۱۶۸.

## منابع

- آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن، *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۳۰ق.
- آملی، سیدحیدر، *المقدمات من کتاب نصّ النصوص فی شرح فصوص الحکم*، تحقیق و مقدمه عثمان اسماعیل یحیی و هانری کرین، تهران، توس، ۱۳۶۷.
- الدر، جان، *تاریخ میسیون آمریکایی در ایران*، ترجمه سهیل آذری، تهران، نور جهان، ۱۳۳۳ش.
- درایتی، مصطفی، *فهرستواره دستنوشته‌های ایران (دنا)*، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.
- زمخشری، محمود، *الکشاف عن حقائق غوامض التأویل*، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
- طیار مراغی، محمود، *سه رساله فلسفی در ردّ بر شیخیه* (میراث اسلامی ایران)، به کوشش رسول جعفریان، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۶.
- فخر رازی، محمدبن عمر، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- فیاضی، عمادالدین و هادی جوادی، «تاریخچه‌ای از فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی مبشران آمریکایی در ایران دوره قاجار»، تهران، *پیام بهارستان*، ش ۱۱، ۱۳۹۰.
- مجتهد مراغی، حسن‌بن عبدالرحیم، *جواب کافی و بیان شافی لمن سبقت له الحسنی*، تبریز، حاج احمد کتابفروش، ۱۳۱۹ق.
- \_\_\_\_، *کشف سریره الاسلام بنور بصیره الایمان*، تبریز، حاج احمد کتابفروش، ۱۳۱۹ق.
- \_\_\_\_، *مشکوٰة الحکمه و مصباح البیان*، نسخه خطی، بی‌جا، کتابخانه ملی، ۱۲۵۳ق.
- معتدلی، رحمت‌الله، *ارومیه در محاربه عالم سوز*، به کوشش: کاوه بیات، تهران، تاریخ معاصر، ۱۳۸۹.